

کابل زارت شماره ۱۶۱

داکتر اسدالله شعور

خیمه شب بازی

سایه‌ها بر بستر دیوار می‌لرزند
سایه‌ها از سایه‌ی دیوار می‌ترسند
تا مبادا مجری این خیمه شب بازی
از ورای سایه‌ی دیوار نا روشن
پتلی‌یی را جاگزیب سایه‌ها سازد.

سایه‌های دست مجری
می‌خزد آرام بر دیوار
می‌شود تمثال رستم در نبرد گیو
می‌درد شمشیر کینش پهلوی
دیو کوه زابل را
نیزه اندازد به چشمان
اژدهای سرخ کابل را
می‌جهد از هفتخوان آرام
می‌نوردد رود آتش،
کوه شیشه،
بحر خون پر کهنک و
بی‌شهی شیران
تا عروس ملک کاووس جهاندار تهمتن را
از دم شمشیر و گرز فی‌لکوب خود کشد در بر.

مجری ماهر

ز بس تکرار کرده این نمایش
سایه‌های صحنه بگرفته گدایش
خواب بر پلک تماشاچی صحنه سایه افکنده
چهره‌ی بی‌بنده‌گان را فازه آکنده.
هر جذب سیربیتان
صحنه باید رنگ دی‌گر گیرد
و آهنگ دی‌گر

سایه‌بازی؟

بازی با سایه‌ها
نزدیک پای‌انست.
هر بازی دگر جمعی عروسک‌های
سرخ و
سبز و
زرد و
بیرنگ و

سپید و

تیره و

ابلق

در پناه سایه دی‌وار صف بسته‌ند
بازی و رقص عروسک می‌رسد از راه
پتلی‌بازی می‌شود بر پا

صحنه‌ی نو با عروسک‌های رنگین
پتلی‌های ناز و سنگین
انتظار دست پر مهر و هنرمندی‌ست
تا جانی دمدم بر پتلی‌های

شیک و

خوشپوش و

خوشاندام و

زیانآور.

* * *

سایه‌ها بر روی دیوار سیاه و تار می‌رقصند

و خوش رقصند.

سایه‌های دست شیطانست بر دیوار

سایه لزانست اندیوار!

دوشنبه ۲۰ ثور ۱۳۸۹ ش/۱۰ می ۲۰۱۰ م

خی‌مه‌شب‌بازی که در حقیقت همان «فانوس خیال» قدیمی‌ست در افغانستان به‌نمایش سایه‌های دست بر روی دیوار اطلاق می‌شود؛ ولی در ایران نمایش عروسک‌ها را به‌این نام یاد می‌کنند که در کشور ما به‌نام پتلی‌بازی معروفست. این واژه ریشه‌ی هندی داشته، پتلی به مفهوم لعبت و عروسک است که بازی آن در زبان انگلیسی Puppetry خوانده می‌شود؛ در عربی «عالم الدمی» و در هندی कठपुतली-थियेटर کا.

نگارنده از ایام نوجوانی به‌یاد دارد در سازمان پی‌شاهنگی (سارندوی) در دهه‌ی چهل سده‌ی جاری هجری خورشیدی جناب محمودجان منجم زاده از ای‌سه‌ی می‌خانی‌کی (فعالاً مقیم آلمان) در نمایش سایه‌ها استاد بودند و جناب جلایل شیری‌ک (که هرجا هست به سلامت باشد) از ای‌سه‌ی استقلال در نمایش عروسکی استاد بی‌بدیلی شمرده می‌شدند.